



دروغ

- دروغ در لغت به معنای سخن نادرست،
[\[۱\]](#) برگزیده فرهنگ قرآن، ص ۳۶۹.
خلاف حقیقت و واقعیت،
[\[۲\]](#) التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، ج ۱۰، ص ۳۴.
قول نالقی است و به معنای نقل گفتاری از کسی است که آن را نگفته است.
[\[۳\]](#) نثر طوبی، ابوالحسن شعرانی، ص ۳۳۱.
اصل آن در گفتار است؛ گذشته باشد یا آینده، و **عده** باشد یا غیر آن.
[\[۴\]](#) مفردات الفاظ القرآن، الراغب الاصفهانی، ج ۱، ص ۲۷۷.
ضد صدق
[\[۵\]](#) لسان العرب، ابن منظور، ج ۱، ص ۷۰۴.
است و
[\[۶\]](#) المنجد فی اللغة، لوئیس معلوف، ص ۶۷۸.
خبر از خلاف واقع، چه به صورت **عده** یا **سهو**،
[\[۷\]](#) مصباح اللغة، قیومی، ص ۸۷.
می باشد.

فهرست مندرجات

- ۱- تعریف دروغ
- ۲- دروغ از منظر قرآن کریم
- ۳- دروغ از منظر روایت
- ۴- علل دروغگویی
 - ۴.۱ - حسد
 - ۴.۲ - شیطان
 - ۴.۳ - گناه
 - ۴.۴ - مکر زنانه
 - ۴.۵ - حفظ موقعیت اجتماعی
 - ۴.۶ - جلب منافع و دفع مضرات
- ۵- آثار دروغ
 - ۵.۱ - بی اعتباری دروغگو
 - ۵.۲ - از بین رفتن ایمان
 - ۵.۳ - بی آبرویی
 - ۵.۴ - بدبینی مردم
 - ۵.۵ - فقر
 - ۵.۶ - فراموشی
 - ۵.۷ - پرده دری و بی شرمی
- ۶- مجوزات دروغ
 - ۶.۱ - حفظ جان و مال و عرض مسلمانان
 - ۶.۲ - اصلاح ذات البین
 - ۶.۳ - جنگ و امور سری
 - ۶.۴ - وعده شوهر به همسر
 - ۶.۵ - بعث و زجر در تربیت اولاد
- ۷- درمان دروغ
- ۸- پانویس
- ۹- منبع

دروغ در لغت به معنای سخن نادرست،

[۱۸] برگزیده فرهنگ قرآن، ص ۳۶۹.

خلاف حقیقت و واقعیت،

[۱۹] التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، ج ۱۰، ص ۳۴.

قول نالغی است و به معنای نقل گفتاری از کسی است که آن را نگفته است.

[۱۰] نثر طوبی، ابوالحسن شعرانی، ص ۳۳۱.

اصل آن در گفتار است؛ گذشته باشد یا آینده، و **عده** باشد یا غیر آن.

[۱۱] مفردات الفاظ القرآن، الراغب الاصفهانی، ج ۱، ص ۲۷۷.

ضد صدق

[۱۲] لسان العرب، ابن منظور، ج ۱، ص ۷۰۴.

است و

[۱۳] المنجد فی اللغة، لويس معلوف، ص ۶۷۸.

خبر از خلاف واقع، چه به صورت **عده** یا **سوهو**،

[۱۴] مصباح اللغة، قیومی، ص ۸۷.

می باشد.

دروغ در اصطلاح، همان اظهار امر خلاف واقع و سخن بر خلاف حقیقت را دروغ گویند که یکی از بزرگترین و بدترین **صفات انسان**، دروغ گفتن است.

[۱۵] آفت زبن، محمدامین، ص ۶۷.

دروغ از منظر قرآن کریم

در **قرآن کریم** آیت متعددی در زمینه‌ی دروغ وجود دارد که در اینجا به چند نمونه اشاره می شود:

(۱) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید و نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام ندهید.»

[۱۶] صف/سوره ۶۱، آیه ۲-۳.

با توجه به این آیه معلوم می‌شود که دروغ در نزد خدای **متعال** ناپسند شمرده شده است و موجب دوری انسان از خدا می‌شود که این خود **عذاب روحی** بس بزرگی است و در کنارش عذاب **یوزخ** را نیز در بر خواهد داشت.

(۲) در جایی دیگر از **قرآن** کریم خداوند متعال می‌فرماید: «تنها کسانی دروغ پرداز می‌کنند که به آیت خدا ایمان ندارند و آنان خود دروغ‌گویند.»

[۱۷] نحل/سوره ۱۶، آیه ۱۰۵.

با توجه به این آیه، فرد دروغ‌گو به قدری از سوی خداوند مورد **مذمت** قرار گرفته که او را بی‌ایمان معرفی کرده و هیچ فرد بی‌ایمان **مؤمن** تلقی نمی‌گردد.

(۳) در آیه‌ی دیگر می‌فرماید: «در حقیقت خداوند آن کسی را که دروغ پرداز ناپسند است **هدایت** نمی‌کند.»

[۱۸] زمر/سوره ۳۹، آیه ۳.

در آیت دیگر می‌فرماید: «دروغ‌گو مستحق **لعنت** و سزاوار **خشم** پروردگار عالم است.»

[۱۹] نور/سوره ۲۴، آیه ۷.

دروغ از منظر روایت

اخبار وارده در بزرگی **گناه** دروغ و شدت **عقوبت** و مفسد مترتب بر آن زیاد می‌باشد که در این قسمت به برخی از **روایات** اشاره می‌شود:

(۱) **پیامبر اکرم** صلوات الله علیه فرمود: «**مؤمن** هرگاه بدون عذر دروغی بگوید هفتاد هزار **ملک** او را **لعنت** می‌کنند و **پوی** بدی از **قلیش** بیرون می‌آید که تا به **عرش** می‌رسد و خداوند به سبب این دروغ، **گناه** هفتاد **زنا** که کمترین آن زنا با **مادر** است را برای او می‌نویسد.»

[۲۰] بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۶۹، ص ۲۴۳.

(۲) در جایی دیگر می‌فرماید: «از دروغ بپرهیز که روی دروغ‌گو را سیاه می‌کند.»

[۲۱] معراج السعاده، احمد نراقی، ص ۵۵۰.

[۲۲] مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج ۹، ص ۸۸.

(۳) مردی از **رسول خدا** صلوات الله علیه پرسید: «چه عملی سبب دخول در آتش است؟ حضرت فرمود: دروغ زیرا دروغ سبب فجور و فجور سبب **کفر** و کفر سبب دخول در آتش است.»

[۲۳] نصایح، مشکینی، ص ۲۹۱.

(۴) دروغ سبب گرفتن صورت انسانی از دروغ‌گو است؛ یعنی صورت برزخی‌اش انسان نیست. رسول خدا صلوات الله علیه به **حضرت زهرا** سلام الله علیها فرمودند: در **شب معراج** **زنی** را دیدم که سرش مانند **خوک** و بدنش مانند **بین** الاغ بود و سبب آن **فتنه** انگیزی و دروغ بود.

[۲۴] گناهان کبیره، آیه الله دستغیب، ج ۱، ص ۲۹۵.

(۵) در روایتی دیگر **پیامبر اکرم** صلوات الله علیه ریشه دروغ را در کمبودها و پستی‌های انسان چه از لحاظ روحی و یا جسمی بیان فرموده است: دروغ‌گویی از پستی **روح** ریشه می‌گیرد.

[۲۵] بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۶۹، ص ۲۴۲.

(۶) در روایتی دیگر، حضرت **امیر المومنین** علیه السلام می‌فرماید: بزرگترین گناهان نزد خدا، **زبن** دروغ‌گو است.

علل دروغگویی

علل متعددی را می توان برای دروغگویی مطرح کرد:

← حسد

«برادران یوسف به خاطر حسداتی که به او داشتند از پدرشان خواستند که فردا او را با ما (به خارج شهر) بفرست، تا غذای کافی بخورد و **تفریح** کند و ما **نگهبان** او هستیم.» [۲۷] یوسف/سوره ۱۲، آیه ۱۲.

← شیطان

از مصادیق بارز دروغگویی در فرهنگ **قرآن**، **شیاطین** هستند. آنجا که خداوند می فرماید: «آیا به شما خبر دهم که شیاطین بر چه کسی **نازل** می شوند؟ آنها بر هر دروغگوی گنهگار نازل می شوند.» [۲۸] شعراء/سوره ۲۶، آیه ۲۲۱-۲۲۲.

← گناه

از دیگر عواملی که سبب دروغگویی می شود، **گناه** و **معصیت** است. در **قرآن** کریم می خوانیم: «اینها آیات خداوند است که ما آن را به **حق** به تو **تلاوت** می کنیم اگر آن ها به این آیت ایمان نیاورند، به کدام سخن بعد از سخن خدا و آیتش **ایمان** می آورند، وای بر هر دروغگوی گنهگار.» [۲۹] چائیه/سوره ۴۵، آیه ۶-۷.

← مکر زنانه

از دیگر مصادیق علل دروغگویی، **مکر** زنانه است که در **سوره یوسف** از **زلیخا** سخن به میان آمده است: «و هر دو به سوی در، دویدند و **بیراهن** او (یوسف) را از پشت پاره کرد و در این هنگام، **شوهر** آن زن را کنار در یافتند و آن زن گفت: **کیفر** کسی که بخواد به **اهل** تو **خیانت** کند جز **زندانی** و یا عذاب دردناک چه خواهد بود؟ یوسف علیه السلام گفت: او را به اصرار به سوی خود **دعوت** کرد و در این هنگام **شاهدی** از **خانواده** آن زن **شهادت** داد که اگر **بیراهن** او از پیش رو پاره شده، آن راست می گوید و او از دروغگویی است.» [۳۰] یوسف/سوره ۱۲، آیه ۲۵-۲۶.

← حفظ موقعیت اجتماعی

گاهی انسان از یک مقام خاص اجتماعی برخوردار است و گاهی در اجرا و اداره امور محوله و مسئولیتی که به عهده گرفته کوتاهی می کند و به عللی از جمله ضعف و یا سوء مدیریت، توفیق حاصل نمی شود لذا وقتی از طرف مقام بالاتر مورد سوال قرار می گیرد برای حفظ منصب و عنوان اجتماعی و پوشاندن عیوب و لغزش های خود متوسل به دروغ می شود و حفظ موقعیت خود را در گفتن مطالب خلاف واقع می داند.

← جلب منافع و دفع مضرات

گاهی انسان مشاهده می کند که **ضرری** متوجه او و منفعتی متوجه دیگری شده است. برای اینکه این زیان را از خود دور و متوجه دیگری سازد و یا منفعتی را که متوجه دیگری شده به سوی خود جلب نماید و به لحاظ اینکه اقتضاء طبع انسان جلب منفعت و دفع ضرر خویش است، این حالت، انگیزه های بسیار قوی در جهت گفتن دروغ به شمار می رود. [۳۱] آفت زبن، محمد امین، ص ۸۲.

آثار دروغ

دروغگویی مانند سایر **بیماری های** روانی و عاطفی، ابتدا از یک مسأله کوچک و ساده آغاز می شود. چنانچه به موقع درمان نشود به یک بیماری روحی تبدیل می شود. دروغگویی عامل اصلی **فسادهای** دیگر است، بطوری که شاید بتوان گفت کلید ورود به سایر فسادها است. برخی از عوارض و پیامدهای دروغگویی عبارتند از:

← بی اعتباری دروغگو

زندگی در اجتماع بر اساس نوعی **اعتماد** نسبی دو جانبه استوار است. دروغ به این اعتماد لطمه می‌زند و موجب **اختلال** در روابط بین افراد شده و **بدبینی** را بین آنان پدید می‌آورد. همچنین فاش شدن دروغ شخص **مبتلا** باعث تا **آبروی** او را بریزد و ارزش و اعتبار خود را از دست دهد. حضرت **علی علیه السلام** می‌فرماید: سزاوار است که **مسلمانان** از دوستی و برادری با دروغگو **اجتناب** کنند؛ زیرا او آن قدر دروغ می‌گوید که راستش را هم باور نمی‌کنند.

[۳۲] **اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۲، ص ۳۴۱.**

← از بین رفتن ایمان

کسانیکه به گفته‌های یک دروغگو اعتماد می‌کنند و آن را می‌پذیرند به گمراهی کشیده خواهند شد. این امر در مسائل فکری و اعتقادی موجب تباهی **ایمان** و عقیده افراد می‌گردد. همچنین دروغگو برای رسیدن به هدف و مطلوب خویش، دروغ را ابراز مؤثر در نتیجه کار می‌داند و این همان **شرک خفی** است و نشانگر ضعف ایمان دروغگو نسبت به تأثیر خداوند متعال بر امور است. امام **محمد باقر** علیه السلام می‌فرماید: «دروغ خانه **ایمان** را ویران می‌سازد.»

[۳۳] **اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۲، ص ۳۳۹.**

← بی‌آبرویی

از دیگر زیان‌های اجتماعی دروغ، بی‌آبرویی است. دروغ‌های زیادی که از دروغگو کشف شد، رسوایی او که مکرر گردید، بی‌آبرویی نصیبش می‌شود. رسوایی دروغگو، کشف دروغ اوست و بی‌آبرویی دروغگو، بی‌حیثیت و بی‌ارح شدن اوست. عقلا و خردمندان، همیشه بدنبال حیثیت و آبرو می‌روند. ثروتمند، **ثروت** خود را برای خریدن حیثیت و آبرو صرف می‌کند. قدرتمند، **قدرت** خود را برای رسیدن به این موقعیت به کار می‌اندازد. **دانشمند**، از **دانش** خود، برای جلب افکار عمومی، بهره برداری می‌کند. **محبوب** **ترین** چیزها نزد عقلا حیثیت و آبرومندی می‌باشد و آخرین هدف آن‌ها همین خواهد بود؛ چون تمام دارایی خود را فدای آن می‌کنند، ولی دروغگو، با **دست** خود این موقعیت را از بین می‌برد.

[۳۴] **دروغ، سیدرضا صدر، سیدرضا، ص ۲۰۰.**

رسول خدا صلوات الله علیه فرمود: کم‌آبروترین مردم کسی است که دروغ می‌گوید.

[۳۵] **مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج ۹، ص ۸۷.**

← بدبینی مردم

دروغگو مورد **سوء ظن** و بدبینی مردم است و گاهی کار او از این هم بالاتر می‌رود و بر اثر دروغ مورد **تفرف** قرار خواهد گرفت.

[۳۶] **دروغ، سیدرضا صدر، ص ۲۰۵.**

← فقر

راستی و درستی، ثروت را می‌افزاید؛ چون دارنده آن ایجاد اعتبار می‌کند. دروغگویی سرمایه را **راکد** نگاه می‌دارد، زیرا نه تنها جلوگیری از پیدایش اعتبار می‌کند، بلکه اعتبار موجود را نیز می‌برد و کسی به **وعده** با او **معامله** نمی‌کند، چون اعتبار ندارد. به وعده دروغگو اعتماد نمی‌شود چون اعتماد کردن به او بر خلاف **عقل** است. **امیر المومنین علی** علیه السلام می‌فرماید: عدالت به دروغ، **فقر** می‌آورد.

[۳۷] **سفینه البحار، شیخ عیاض قمی، ج ۷، ص ۴۵۵.**

← فراموشی

یکی از بیماری‌های روانی که دروغگو بدان گرفتار می‌شود، فراموشی است. امام **صادق** علیه السلام می‌فرماید: از چیزهایی که خدا به زبان دروغگو بیان کمک کرده، **فراموشی** است.

[۳۸] **اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۲، ص ۳۴۱.**

← پرده‌داری و بی‌شرمی

اگر کشف دروغ، روحیه دروغگو را متزلزل نکند و او همچنان به دروغگویی ادامه دهد، کشف‌های بی‌دری، **شرم** را از او می‌برد و وی را دروغگوی حرفه‌ای می‌سازد و دیگر، از آنکه عیبش **اشکار** شود، ابایی ندارد. با خود می‌گوید: مردم همه مرا شناخته‌اند. پنهان ساختن دیگر چه سودی دارد و دیگر نه از ارتکاب **گناه** ابایی دارد و نه از فاش شدن آن. امام **معصوم** علیه السلام فرمود: از دروغ بپرهیزید، سرانجام دروغ، پرده‌داری است و سرانجام پرده‌داری آتش **دوزخ** است.

[۳۹] **مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج ۹، ص ۸۶.**

مجوزات دروغ

← حفظ جان و مال و عرض مسلمانان

پیامبر گرامی **اسلام** صلوات الله علیه فرمود: به خدا سوگند دروغ یاد کن و برادرت را از کشته شدن نجات بده.

[۴۰] من لایحضره الفقیه، محمد بن علی ابن بابویه، ج ۳، ص ۲۳۵.

همچنین راوی می‌گوید: از امام هشتم **امام رضا** علیه السلام سؤال کردم درباره مردی که از سلطان بر مال خویش می‌ترسد که مالش را به **زور** و ناحق از او بگیرد، سپس به دروغ **سوگند** می‌خورد تا اینکه از **ظلم** سلطان نجات یابد. حضرت فرمود: باکی بر او نیست و نیز می‌گوید: از امام سؤال کردم که آیا همانگونه که انسان برای حفظ مال خویش **جایز** است سوگند بخورد، برای حفظ مال برادر دینی خود نیز می‌تواند سوگند دروغ متوسل شود؟ حضرت فرمود: آری.

[۴۱] **فروع کافی**، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۵، ص ۴۴۰.

و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: سوگند اقسامی دارد که یک قسم آن این است که انسان در راه خلاص و نجات مال یا جان مسلمانی از دست سارق یا هر متجاوز دیگری سوگند به دروغ بخورد، چنین سوگندی نه تنها **کفار** ه ندارد بلکه **اجر** هم دارد.

[۴۲] من لایحضره الفقیه، محمد بن علی ابن بابویه، ج ۳، ص ۲۳۱.

← اصلاح ذات البین

هر گاه دو نفر از یکدیگر کدورت و **کینه‌های** داشته باشند و با هم قطع رابطه کنند برای اصلاح و آشتی دادن آنها دروغ گفتن جایز است یعنی گفتن مطالبی که موجب رفع کدورت‌ها و دشمنیها و برقراری روابط دوستانه و صمیمانه گردد، و همانگونه که برای رفع و درمان خصومت‌ها و اصلاح روابط میان مسلمانان دروغ گفتن جایز است برای رفع و پیشگیری از خصومتها و دشمنیها نیز گفتن دروغ **جایز** است. بنابراین هرگاه **راستگویی** باعث وقوع **فتنه** و ایجاد **دشمنی** میان دو مسلمان و دروغگویی مانع **فتنه** و موجب **دوستی** و صمیمیت و ارتباط و **افت** شود، آن **راست**، **ممنوع** و این دروغ، **ممنوع** خواهد بود..

[۴۳] **وسائل الشیعه**، شیخ حر عاملی، ج ۸، ص ۵۷۸.

← جنگ و امور سری

انسان می‌تواند در جنگ برای تقویت روحیه نیروهای خودی و **تضعیف** روحیه نیروهای دشمن در جهت عدم آگاهی دشمن از میزان عده و تاکتیک‌های جنگی و گمراه ساختن اذهان دشمن از تصمیمات و برنامه‌ها و غافلگیری، اطلاعات و آمار کذبی را انتشار دهد و حتی جایز است که در میان صفوف دشمن مطالب دروغی را شایع نموده و با ایجاد جنگ روانی همه جانبه، زمینه شکست دشمن و پیروزی مسلمین را فراهم کند. چنانکه وقتی پیامبر گرامی صلوات الله علیه در **جنگ احزاب** اطلاع یافت که **بنی قریظه** با **مشرکان** و ابی سفیان متحد شده‌اند و پیمان بسته‌اند که هرگاه با سپاهیان **توحید** بجنگند آنها را **یاری** خواهند کرد، **پیامبر** صلوات الله علیه **خطبه‌ای** برای سپاه **اسلام** ایراد فرمود: **بنی قریظه** به ما **پیام** داده‌اند که هرگاه ما با **ابوسفیان** بجنگیم ما را یاری خواهند کرد، چون این خبر به ابوسفیان رسید، گفت: **بیود** (بنی قریظه) خیانت کردند. پس مشرکین از منطقه جنگی فرار کردند.

[۴۴] **وسائل الشیعه**، شیخ حر عاملی، ج ۱۱، ص ۱۰۲.

بدین ترتیب بین صفوف و قوای دشمن **تفرقه** و **تزلزل** ایجاد شد و بالاخره باعث شکست دشمن و **پیروزی** مسلمین گردید و در حدیثی پیامبر فرمود: هر دروغی در پرونده انسان دروغ نوشته می‌شود مگر دروغی که در جنگ گفته شود؛ زیرا جنگ، **خنده** و **فریب** است.

[۴۵] **المحجة البیضاء**، ملا محسن فیض کاشانی، ج ۵، ص ۲۴۵.

← وعده شوهر به همسر

هرگاه زن از شوهر چیزی بخواهد که تهیه آن بر شوهر **واجب** نیست، جایز است به همسرش قول مساعد و جواب مثبت و **وعده** انجام خواسته او را بدهد گر چه قصد عمل به وعده خویش را نداشته باشد و بعد هم به وعده‌اش وفا نکند و علت جواز دروغ در این مورد، این است که از وقوع اختلاف و یا تشدید آن و سوء تفاهم بین زن و شوهر پیشگیری شود و البته **احتیاط** اکثفاً به حد رفع **ضرورت** است. پیامبر اکرم صلوات الله علیه فرمود: دروغ در سه مورد نیکو است: ۱- **مکر** و فریب در جنگ. ۲- وعده دادن شوهر به همسر. ۳- اصلاح بین مردم.

[۴۶] **تحف العقول عن آل الرسول**، ص ۱۰.

← بعث و زجر در تربیت اولاد

هرگاه والدین با **مربی** بخواهد در مقام تربیت، فرزند یا کودکی را به انجام کارهای نیک و اداری کند، و از ارتکاب کارهای زشت بازدارد. **جایز** است به عنوان **بعث** و **تشویق** و ایجاد انگیزه برای انجام کار نیک و با به عنوان **زجر** و **تهدید** و عملی بازدارنده از کار زشت، به فرزند خویش وعده **وعد** دهد، گر چه تصمیم نداشته باشد به آنچه می‌گوید عمل کند. مثلاً اگر می‌خواهد فرزند کار نیک را انجام دهد به او وعده **پاداش** دهد و اگر می‌خواهد فرزندش را از انجام کار بد و زشتی بازدارد به او وعده **کیفر** دهد. البته لازم به تذکر است که آنچه جنبه تشویق و **ترغیب** در انجام کارهای نیک دارد باید انسان در صورت امکان به آن عمل کند و از **خلف و وعده** اجتناب ورزد ولی در جایی بیکه عملی ساختن **وعده** میسر نبوده و موجب **عسر و حرج** باشد، گفتن آنچه می‌داند که نمی‌تواند به آن عمل نماید بلا اشکال است.

درمان دروغ

بهترین راهی که انسان را از دروغ گفتن باز می‌دارد این است که توجه پیدا کند که دروغ گفتن منمومترین صفت است و بواسطه دروغ، مورد **قهر** و **غضب** الهی واقع، و در **آخرت** به آتش دوزخ گرفتار خواهد شد و در دنیا دیر یا زود دروغ او فاش و حقیقت امر آشکار می‌گردد و او بین مردم رسوا و **مطرود** و منزوی خواهد شد و دیگر کسی برای سخن او ارزش و

اعتباری قائل نیست و در واقع مرده‌ای در میان زندگان است. [امیر المومنین](#) علیه السلام می‌فرماید: دروغگو با مرده برابر است؛ زیرا برتری انسان زنده بر [مرده](#) این است که مردم به او اعتماد می‌کنند و برای سخن او ارزش قائل هستند اما هنگامی که به سخن او اعتمادی نباشد زندگی او پوچ و [باطل](#) است. [\[۴۷\]](#) تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۲۱۱۳. از طرفی انسان با شناخت ریشه‌های دروغ و قطع آن می‌تواند خود را از آلودگی به دروغ و [ابتلاء](#) به این [آفت](#) خطرناک مصون دارد. [\[۴۸\]](#) آفت زبان، محمد امین، ص ۸۳.

پانویس

۱. [↑](#) برگزیده فرهنگ قرآن، ص ۳۶۹.
۲. [↑](#) التحقيق في كلمات القرآن الكريم، حسن مصطفوی، ج ۱۰، ص ۳۴.
۳. [↑](#) نثر طویی، ابوالحسن شعرانی، ص ۳۳۱.
۴. [↑](#) مفردات الفاظ القرآن، الراغب الاصفهانی، ج ۱، ص ۲۷۷.
۵. [↑](#) لسان العرب، ابن منظور، ج ۱، ص ۷۰۴.
۶. [↑](#) المنجد في اللغة، لويس معلوف، ص ۶۷۸.
۷. [↑](#) مصباح اللغة، قیومی، ص ۸۷.
۸. [↑](#) برگزیده فرهنگ قرآن، ص ۳۶۹.
۹. [↑](#) التحقيق في كلمات القرآن الكريم، حسن مصطفوی، ج ۱۰، ص ۳۴.
۱۰. [↑](#) نثر طویی، ابوالحسن شعرانی، ص ۳۳۱.
۱۱. [↑](#) مفردات الفاظ القرآن، الراغب الاصفهانی، ج ۱، ص ۲۷۷.
۱۲. [↑](#) لسان العرب، ابن منظور، ج ۱، ص ۷۰۴.
۱۳. [↑](#) المنجد في اللغة، لويس معلوف، ص ۶۷۸.
۱۴. [↑](#) مصباح اللغة، قیومی، ص ۸۷.
۱۵. [↑](#) آفت زبان، محمد امین، ص ۶۷.
۱۶. [↑](#) صف/سور ۶۱، آیه ۲-۳.
۱۷. [↑](#) نحل/سور ۱۶، آیه ۱۰-۱۵.
۱۸. [↑](#) زمر/سور ۳۹، آیه ۳.
۱۹. [↑](#) نور/سور ۲۴، آیه ۷.
۲۰. [↑](#) بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۶۹، ص ۲۶۳.
۲۱. [↑](#) معراج السعادة، احمد نراقی، ص ۵۵۰.
۲۲. [↑](#) مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج ۹، ص ۸۸.
۲۳. [↑](#) نصایح، مشکینی، ص ۲۹۱.
۲۴. [↑](#) گناهان کبیره، آیه الله دستغیب، ج ۱، ص ۲۹۵.
۲۵. [↑](#) بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۶۹، ص ۲۶۲.
۲۶. [↑](#) المحجة البيضاء، ملا محسن فیض کاشانی، ج ۵، ص ۲۴۳.
۲۷. [↑](#) یوسف/سور ۱۲، آیه ۱۲.
۲۸. [↑](#) شعراء/سور ۲۶، آیه ۲۲-۲۲۲.
۲۹. [↑](#) جائیه/سور ۴۵، آیه ۶-۷.
۳۰. [↑](#) یوسف/سور ۱۲، آیه ۲۵-۲۶.
۳۱. [↑](#) آفت زبان، محمد امین، ص ۸۲.
۳۲. [↑](#) اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۲، ص ۳۴۱.
۳۳. [↑](#) اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۲، ص ۳۳۹.
۳۴. [↑](#) دروغ، سیدرضا صدر، سیدرضا، ص ۲۰۰.
۳۵. [↑](#) مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج ۹، ص ۸۷.
۳۶. [↑](#) دروغ، سیدرضا صدر، ص ۲۰۵.
۳۷. [↑](#) سفینه البحار، شیخ عیاس قمی، ج ۷، ص ۴۵۵.
۳۸. [↑](#) اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۲، ص ۳۴۱.
۳۹. [↑](#) مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج ۹، ص ۸۶.
۴۰. [↑](#) من لایحضره الفقیه، محمد بن علی ابن بابویه، ج ۳، ص ۲۳۵.
۴۱. [↑](#) فروغ کافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج ۵، ص ۴۴۰.
۴۲. [↑](#) من لایحضره الفقیه، محمد بن علی ابن بابویه، ج ۳، ص ۲۳۱.
۴۳. [↑](#) وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۸، ص ۵۷۸.
۴۴. [↑](#) وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱، ص ۱۰۲.
۴۵. [↑](#) المحجة البيضاء، ملا محسن فیض کاشانی، ج ۵، ص ۲۴۵.
۴۶. [↑](#) تحف العقول عن آل الرسول، ص ۱۰.

۴۷. [↑](#) تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ح ۲۱۱۳.

۴۸. [↑](#) آفت زبان، محمد امین، ص ۸۳.

منبع

[سایت پژوه](#)

رده‌های این صفحه: [اخلاق اسلامی](#) | [دروغ](#) | [ردائل اخلاقی](#)